

آداب ورود به خانه (قرآن)

ذخیره مقاله با فرمت پی دی اف

آیاتی از قرآن کریم در باره ی آداب و احکام ورود به خانه است.

فهرست مندرجات

- ۱ - آداب وارد شدن به خانه
 - ۱.۱ - اذن گرفتن
 - ۱.۱.۱ - لزوم اذن در خانه دیگران
 - ۱.۱.۲ - عدم لزوم اذن در خانه خود
 - ۱.۱.۳ - لزوم اذن در خانه پیامبر
 - ۱.۲ - سلام کردن
 - ۱.۳ - معرفی خود
 - ۱.۴ - ورود از راه متعارف
- ۲ - فلسفه بیان آداب ورود به خانه
- ۳ - امنیت و آزادی در محیط خانه
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

۱ - آداب وارد شدن به خانه

[ویرایش]

توجه به علم خداوند از اعمال انسان ، زمینه رعایت آداب ورود به خانه‌ها است. "فان لم تجدوا فيها احدا فلا تدخلوها حتی يؤذن لكم... واللّه بما تعملون علیم." [۱] و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید! » بازگردید این برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! "لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتا غیر مسکونه فیها متع لکم واللّه یعلم ما تبون وما تکتمون." [۲] (ولی) گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد و خدا آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند!"

و در پایان اضافه می‌نماید: " و خدا آنچه را آشکار می‌کنید و پنهان می‌دارید می‌داند" (و اللّه یعلم ما تبون و ما تکتمون). شاید اشاره به این است که گاه بعضی از افراد از این استثناء سوء استفاده کرده و به بهانه این حکم وارد خانه‌های غیر مسکونی می‌شوند تا کشف اسراری کنند، و یا در خانه‌های مسکونی به این بهانه که نمی‌دانستیم مسکونی است ورود کنند، اما خدا از همه این امور آگاه است و سوء استفاده کنندگان را بخوبی می‌شناسد. [۳]

۱.۱ - اذن گرفتن

اذن گرفتن برای ورود به خانه دیگران، امری لازم است.

"یاایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا... • فان لم تجدوا فیها احدا فلا تدخلوها حتی يؤذن لكم.. [۴][۵] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید این برای شما بهتر است

شاید متذکر شوید! • و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید این برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! " «حتی تستانسوا» یعنی تا اینکه اذن بگیرید. [۶]

۱.۱.۱ - لزوم اذن در خانه دیگران

اذن خواستن برای ورود به خانه دیگران، به خیر و صلاح انسان است. "یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا وتسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم.. [۷]" ورود به خانه دیگران، بدون اذن آنان، در صورت نیافتن کسی در آن جایز نیست. "فان لم تجدوا فیها احدا فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم.. [۸]" ممکن است منظور از این تعبیر آن باشد که گاه در آن خانه کسانی هستند ولی کسی که به شما اذن دهد و صاحب اختیار و صاحب البیت باشد حضور ندارد شما در اینصورت حق ورود نخواهید داشت. و یا اینکه اصلا کسی در خانه نیست، اما ممکن است صاحب خانه در منزل همسایگان و یا نزدیک آن محل باشد و به هنگامی که صدای در زدن و یا صدای شما را بشنود بیاید و اذن ورود دهد در این موقع حق ورود دارید، به هر حال آنچه مطرح است این است که بدون اذن داخل نشوید. [۹] در صورت اذن ندادن و درخواست مراجعت، از درب خانه دیگران بازگشت امری سودمند و موجب تزکیه انسان خواهد بود. "فان لم تجدوا فیها احدا فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم وان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم.. [۱۰]" اشاره به اینکه هرگز جواب رد شما را ناراحت نکند، چه بسا صاحب خانه در حالتی است که از دیدن شما در آن حالت ناراحت می‌شود، و یا وضع او و خانه اش آماده پذیرش مهمان نیست! و از آنجا که به هنگام شنیدن جواب منفی گاهی حس کنجکاوی بعضی تحریک می‌شود و به فکر این می‌افتند که از درز در، یا از طریق گوش فرا دادن و استراق سمع مطالبی از اسرار درون خانه را کشف کنند در ذیل همین آیه می‌فرماید: خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است" (و الله بما تعملون علیم). [۱۱] اذن خواستن برای ورود به خانه دیگران، زمینه‌ای برای پندگیری است. "یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا... لعلکم تذکرون.. [۱۲]" قابل توجه اینکه این حکم را که جنبه انسانی و عاطفی آن روشن است با دو جمله "ذلکم خیر لکم و" لعلکم تذکرون" همراه می‌کند که خود دلیلی بر آن است که اینگونه احکام ریشه در اعماق عواطف و عقل و شعور انسانی دارد که اگر انسان کمی در آن بیندیشد متذکر خواهد شد که خیر و صلاح او در آن است. [۱۳]

۱.۱.۲ - عدم لزوم اذن در خانه خود

ورود افراد به خانه خودشان، بدون اذن جایز است. "یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا وتسلموا علی اهلها.. [۱۴]"

۱.۱.۳ - لزوم اذن در خانه پیامبر

ورود به خانه پیامبر صلی الله علیه وآله، مشروط به اذن آن حضرت است. "یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم.. [۱۵] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود،" روی سخن در این آیه به مؤمنان است و بخشی دیگر از احکام اسلام مخصوصا آنچه مربوط به آداب معاشرت با پیامبر صلی الله علیه وآله و خانواده نبوت بوده است ضمن جمله‌های کوتاه و گویا و صریح بیان می‌کند. نخست می‌گوید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگز در اطاقهای پیامبر سر زده داخل نشوید، مگر اینکه برای صرف غذا به شما اجازه داده شود، آنهم مشروط به اینکه به موقع وارد شوید، نه اینکه از مدتی قبل بیائید و در انتظار وقت غذا بنشینید" (یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین اناه) و به این ترتیب یکی از آداب مهم معاشرت را در آن محیطی که این آداب کمتر رعایت می‌شد بیان می‌کند، گر چه سخن در باره خانه پیامبر صلی الله علیه وآله است، ولی مسلما این حکم اختصاص به او

ندارد، در هیچ مورد بدون اجازه نباید وارد خانه کسی شد (چنان که در سوره نور آیه ۲۷ نیز آمده است) حتی در حالات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم که وقتی می‌خواست وارد خانه دخترش فاطمه علیها السلام شود بیرون در می‌ایستاد و اجازه می‌گرفت، و یک روز "جابر بن عبدالله" با او بود پس از آنکه برای خود اجازه گرفت برای "جابر" نیز اجازه گرفت! .
بعلاوه به هنگامی که دعوت به طعام می‌شوند باید وقت شناس باشند و مزاحمت بی موقع برای صاحب خانه فراهم نکنند. [۱۶]

۱.۲ - سلام کردن

سلام کردن به هنگام ورود به خانه دیگران، به خیر و صلاح انسان است.
"یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی... وتسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم.." [۱۷]
سلام کردن هنگام ورود به خانه دیگران، توصیه خداوند به مسلمانان است.
"یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی... وتسلموا علی اهلها.." [۱۸]
هر گاه این جمله را بشکافیم بسیاری از آداب مربوط به این بحث در آن خلاصه شده است، مفهومی این است فریاد نکشید، در را محکم نکوبید با عبارات خشک و زنده اجازه نگیرید، و به هنگامی که اجازه داده شد بدون سلام وارد نشوید، سلامی که نشانه صلح و صفا و پیام آور محبت و دوستی است. [۱۹]
سلام کردن هنگام ورود به هر خانه‌ای، سفارش خداوند به مسلمانان است.
"... فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم.." [۲۰]
بیان حکم سلام، هنگام ورود به هر خانه، از آیات الهی و زمینه‌ای برای تعقل است.
در مورد «بیوتا» احتمالاتی ذکر شده که سزاوار است آن را بر عموم حمل کنیم. [۲۱]
"... فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم... کذلک یبین الله لکم الایت لعلکم تعقلون.." [۲۲] و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌کند، باشد که بیندیشید"
این آیه بعد از آنکه گفتگو از خانه‌ها را به میان آورد، ادب دخول در آن را متفرع بر آن نموده، فرمود: " و چون داخل خانه‌ها شوید بر خود سلام کنید".
و مقصود از "سلام کردن بر خود"، سلام کردن بر هر کسی است که در خانه باشد، در اینجا نیز اگر نفرمود: " بر اهل آن سلام کنید"، خواست یگانگی مسلمانان با یکدیگر را برساند، چون همه انسانند، و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده، علاوه بر این همه مؤمنند، و ایمان ایشان را جمع کرده، چون ایمان قوی تر از رحم، و هر عامل دیگری برای یگانگی است.
و بعید هم نیست که مراد از جمله " فسلموا علی انفسکم" این باشد که وقتی کسی داخل بر اهل خانه‌ای شد، بر آنان سلام کند، و ایشان جواب سلامش را بدهند. [۲۳]

۱.۳ - معرفی خود

معرفی خود، هنگام ورود به خانه دیگران، توصیه خداوند است.
"یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا.." [۲۴]
«حتی تستانسوا» بنا بر قولی معرفی کردن خود با تنحنح و گفتن سخنی به جای اذن است. [۲۵]
معرفی کردن خود برای ورود به خانه دیگران، به خیر و صلاح انسان است.
"یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا وتسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم.." [۲۶]
" انس به هر چیز و به سوی هر چیز" به معنای الفت گرفتن به آن و آرامش یافتن قلب به آن است، و کلمه " استیناس" به معنای عملی است که به این منظور انجام شود، مانند:
استیناس برای داخل شدن خانه به وسیله نام خدا بردن، و یا، یا الله گفتن، یا تنحنح کردن و امثال آن، تا صاحب خانه بفهمد که شخصی می‌خواهد وارد شود، و خود را برای ورود او آماده کند، چه بسا می‌شود که صاحب خانه در حالی قرار دارد که نمی‌خواهد کسی او را به آن حال ببیند، و یا از وضعی که دارد با خبر شود.
از اینجا معلوم می‌شود که مصلحت این حکم پوشاندن عورات مردم، و حفظ احترام ایمان است، پس وقتی شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند، و صاحب خانه را به استیناس خود آگاه سازد، و بعد داخل شده و سلام کند، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بپوشاند کمک کرده، و نسبت به خود ایمنی اش داده. [۲۷]

معرفی کردن خود برای ورود به خانه دیگران، زمینه‌ای برای پندگیری است.

"یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا وتسلموا علی اهلها ذلکم... لعلکم تذکرون." [۲۸]

جالب اینکه در اینجا جمله "تستانسوا" به کار رفته است نه "تستادنوا" زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند، در حالی که جمله اول که از ماده "انس" گرفته شده اجازه‌ای توأم با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند، و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد. [۲۹]

و جمله "ذلکم خیر لکم لعلکم تذکرون" هم اشاره به همین فواید است، یعنی شاید با استمرار بر این سیره متذکر وظیفه خود بشوید، که چه اموری را باید رعایت کنید، و چگونه سنت اخوت را در میان خود احیاء سازید، و در سایه آن، قلوب را با هم مالوف نموده، به تمامی سعادهای اجتماعی برسید. [۳۰]

۱.۴ - ورود از راه متعارف

ورود به خانه‌های خود از راه‌های متعارف آن، سفارش خداوند به مسلمانان است.

"... ولکن البر من اتقی واتوا البیوت من ابوبها... [۳۱] و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند، و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید"

جماعتی از عرب جاهلیت رسمشان چنین بوده که چون برای زیارت حج از خانه بیرون می‌شدند دیگر اگر در خانه کاری می‌داشتند (مثلاً چیزی جا گذاشته بودند) از در خانه وارد نمی‌شدند، بلکه از پشت، دیوار را سوراخ می‌کردند، و از سوراخ داخل می‌شدند، اسلام از این معنا نهی کرد، و دستور داد از در خانه‌ها درآیند، آیه شریفه مورد بحث می‌تواند با این داستان منطبق باشد، و می‌توان به روایاتی که در شان نزول آیه این داستان را نقل می‌کند، و به زودی از نظر خواننده خواهد گذشت اعتماد نمود.

و اگر جز این بود ممکن بود کسی بگوید: آیه مورد بحث کنایه است از نهی از امتثال اوامر الهیه، و عمل به احکام شرع به غیر آن وجهی که بر آن وجه تشریح شده، مثلاً می‌خواهد بفرماید: حج را در غیر ماه‌های حج انجام دادن، و روزه را در غیر رمضان گرفتن، و همچنین سایر احکام الهی را به غیر آن وجهی که دستور داده شده انجام دادن، مانند این است که با اینکه خانه در دارد از بام وارد آن شوی. آن وقت بنا بر این، جمله: "و لیس البر بان تاتوا البیوت..."، متمم اول آیه خواهد بود، و روی هم معنای آیه چنین می‌شود: این ماه‌ها اوقاتی است که برای اعمال شرعی تعیین شده، و تجاوز از آن اوقات به اوقات دیگر جایز نیست مثلاً حج را نباید در غیر ماه‌هایش، و روزه را در غیر ماه رمضان، و سایر وظائف را در غیر موعد مقرر انجام داد، که در این صورت به منزله وارد شدن به خانه است از غیر دروازه آن، پس صدر و ذیل آیه شریفه تنها می‌خواهد یک حکم را بیان کند. [۳۲]

ورود محرمان به خانه خود از پشت آن، به وسیله مردم عصر جاهلی، عملی ناپسند است... و لیس البر بان تاتوا البیوت من ظهورها ولکن البر من اتقی واتوا البیوت من ابوبها.. [۳۳] [۳۴]

در زمان جاهلیت، هنگامی که لباس احرام به تن می‌کردند از راه معمولی و در خانه، به خانه خود وارد نمی‌شدند و معتقد بودند این کار برای محرم ممنوع است، به همین دلیل در پشت خانه نقبی می‌زدند و هنگام احرام فقط از آن وارد می‌شدند. آنها این کار را نیک می‌دانستند. خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود. [۳۵]

و بعضی گفته‌اند این کار به خاطر آن بود که در حال احرام زیر سقف نروند زیرا گذشتن از سوراخ دیوار در مقایسه با گذشتن از در برای این منظور بهتر بود ولی قرآن صریحاً می‌گوید نیکی در تقوا است نه در عادات و رسوم خرافی و بلافاصله دستور می‌دهد حتماً از همان طریق عادی به خانه‌ها وارد شوید.

این آیه معنی وسیع‌تر و عمومی تری نیز دارد و آن اینکه برای اقدام در هر کار خواه دینی باشد یا غیر دینی باید از طریق صحیح وارد شوید نه از طرق انحرافی و وارونه چنان که جابر همین معنی را از قول امام باقر علیه السلام نقل کرده است.

و از اینجا می‌توان پیوند دیگری میان آغاز و پایان آیه پیدا کرد و آن اینکه هر کار باید از طریق صحیح آن باشد و عبادتی همچون حج نیز باید در وقت مقرر که با هلال ماه تعیین می‌شود انجام گیرد. [۳۶]

رعایت تقوا به هنگام ورود به خانه، توصیه خداوند است.

"... واتوا البیوت من ابوبها واتقوا الله.. [۳۷]"

ورود به خانه‌های خود، از راه‌های متعارف آن، نشانه تقواییست است.

"... ولکن البر من اتقی واتوا البیوت من ابوبها.. [۳۸]"

در اول سوره توجه فرمودید که تقوا یکی از صفاتی است که با همه مراتب ایمان و همه مقامات کمال جمع می‌شود، و این هم معلوم است که تمامی مقامات مستوجب فلاح و رستگاری نیست آن طور که مقامات آخر که به کلی شرک و ضلالت را از دل صاحبش زدوده می‌کند، مستوجب آن است، بله این خاصیت را دارد که آدمی را به سوی فلاح هدایت نموده و به سعادت بشارت می‌دهد و بهمین جهت در جمله مورد بحث فرمود: (و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید) و فرمود (تا رستگار شوید) و ممکن است منظور از تقوا

امثال خصوص امری باشد که در آیه شریفه آمده بود و آن مذمت در آمدن به خانه‌ها از پشت خانه بود. [۳۹]
ورود به خانه‌های خود از راه متعارف، عملی پسندیده و مصداق نیکی است.

"... ولیس البر بان تاتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی واتوا البیوت من ابوبها.. [۴۰]"

جمله "لیس البر..." ممکن است اشاره به نکته لطیف دیگری نیز باشد که سؤال شما از اهله ماه به جای سؤال از معارف دینی همانند عمل کسی است که راه اصلی خانه را گذاشته و از سوراخی که پشت دیوار خانه زده وارد می‌شود چه کار نازیبایی. ضمناً توجه به این نکته نیز لازم است که می‌فرماید: "لکن البر من اتقی" (بلکه نیکی این است که تقوا پیشه کنید) زیرا وجود پرهیزگاران سرچشمه جوشان نیکیهاست به گونه‌ای که گویی خود آنها عین نیکی هستند. [۴۱]

۲ - فلسفه بیان آداب ورود به خانه

[ویرایش]

به یاد سپردن، پند پذیرفتن و عمل کردن به آن، فلسفه بیان آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران از سوی خداوند است. " ... لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا... لعلکم تذکرون. [۴۲]"

۳ - امنیت و آزادی در محیط خانه

[ویرایش]

بی شک وجود انسان دارای دو بعد است، بعد فردی و بعد اجتماعی و به همین دلیل دارای دو نوع زندگی است، زندگی خصوصی و عمومی که هر کدام برای خود ویژگی‌هایی دارد و آداب و مقرراتی. انسان ناچار است در محیط اجتماع قیود زیادی را از نظر لباس و طرز حرکت و رفت و آمد تحمل کند، ولی پیدا است که ادامه این وضع در تمام مدت شبانه روز خسته کننده و درد سر آفرین است. او می‌خواهد مدتی از شبانه روز را آزاد باشد، قید و بندها را دور کند به استراحت پردازد با خانواده و فرزندان خود به گفتگوهای خصوصی بنشیند و تا آنجا که ممکن است از این آزادی بهره گیرد، و به همین دلیل به خانه خصوصی خود پناه می‌برد و با بستن درها به روی دیگران زندگی خویش را موقتا از جامعه جدا می‌سازد و همراه آن از انبوه قیودی که ناچار بود در محیط اجتماع بر خود تحمیل کند آزاد می‌شود. حال باید در این محیط آزاد با این فلسفه روشن، امنیت کافی وجود داشته باشد، اگر بنا باشد هر کس سر زده وارد این محیط گردد و به حریم امن آن تجاوز کند دیگر آن آزادی و استراحت و آرامش وجود نخواهد داشت و مبدل به محیط کوچه و بازار می‌شود. به همین دلیل همیشه در میان انسانها مقررات ویژه‌ای در این زمینه بوده است، و در تمام قوانین دنیا وارد شدن به خانه اشخاص بدون اجازه آنها ممنوع است و مجازات دارد، و حتی در جایی که ضرورتی از نظر حفظ امنیت و جهات دیگر ایجاب کند که بدون اجازه وارد شوند مقامات محدود و معینی حق دادن چنین اجازه‌ای را دارند. در اسلام نیز در این زمینه دستور بسیار مؤکد داده شده و آداب و ریزه کاریهایی در این زمینه وجود دارد که کمتر نظیر آن دیده می‌شود. [۴۳]

۴ - پانویس

[ویرایش]

۱. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۸.
۲. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۹.
۳. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۹.
۴. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۵. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۸.
۶. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۶.
۷. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۸. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۸.
۹. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۸.

۱۰. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۸.
۱۱. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۸.
۱۲. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۱۳. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۷.
۱۴. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۱۵. ↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۵۳.
۱۶. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۹۹.
۱۷. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۱۸. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۱۹. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۷.
۲۰. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۶۱.
۲۱. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۷۴.
۲۲. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۶۱.
۲۳. ↑ طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۲۲۹.
۲۴. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۲۵. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۷.
۲۶. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۲۷. ↑ طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۵۳.
۲۸. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۲۹. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۷.
۳۰. ↑ طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۵۳.
۳۱. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۹.
۳۲. ↑ طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲، ص ۸۱.
۳۳. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۹.
۳۴. ↑ عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۶۲۳.
۳۵. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۷.
۳۶. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۲.
۳۷. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۹.
۳۸. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۹.
۳۹. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۸۳.
۴۰. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۹.
۴۱. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۳.
۴۲. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۴۳. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۹.

۵ - منبع

[ویرایش]

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۱۲، ص ۲۹۲، برگرفته از مقاله «آداب ورود به خانه»

■ سیاست و ضوابط؛ تلاش و یکی‌فقه تدوین دانشنامه‌ایی در حوزه علوم اسلامی است. یکی از سیاست‌های اصلی آن رعایت احترام به صاحبان نظریه است. اتقان و مستند بودن مطالب یکی دیگر از سیاست‌هاست که در نگارش مطالب باید رعایت شود. تدوین مطالب توسط طلاب قم، مشهد، نجف و سایر حوزه‌های علمیه با رعایت اتقان و استناد، انجام می‌شود.

■